

« بسمه تعالی »

دانشگاه فرهنگیان – پردیس شهید بهشتی مشهد

واحد شهید رجایی تربت حیدریه

جلسه هفتم – آموزش غیرحضوری - گروه‌های ۱۳-۱۴-۱۵-۱۶

درس روانشناسی رشد

مدرس : دکتر شعبانی

موضوع : نظریه پیاز (بخش دوم)

منبع اصلی : فصل پنجم کتاب لورا برگ ۳۱۶-۳۳۸

منابع فرعی : روانشناسی رشد – اسماعیل بیابانگرد

روانشناسی پرورشی نوین – علی اکبر سیف

۱- دوره حسی و حرکتی: در جلسه ششم بیان شد.

۲- دوره پیش عملیاتی : این دوره از این نظر پیش عملیاتی خوانده شده است که بر اساس نظریه پیاژه کودک تا قبل از هفت سالگی به تفکر منطقی دست نمی یابد . به نظر پیاژه در حدود دو سالگی مرحله دیگری در رشد ذهنی کودک آغاز می شود که از مشخصات عمده آن تسلط بر نمادهاست . برای نمونه می توان به استفاده از کلمات به جای اشیاء اشاره کرد . این ویژگی به کودک اجازه می دهد تا آن چه را که قبلاً به طور حسی و حرکتی انجام داده است ، اکنون به طور ذهنی به کار برد .

پیاژه معتقد است نمادها از تقلید ذهنی ناشی می شوند . از آن جا که نمادها بر اساس تجارب شخصی کودک شکل می گیرند برای هر کودک کیفیت ویژه ای دارند . نمادها به طور مستقیم جانشین اشیاء نمی شوند بلکه دانش شخص را درباره آن اشیاء نشان می دهند . برای مثال ، احتمالاً همه کودکان تصورات مشابهی از توپ دارند ولی هر کودک تصور ویژه خود از توپ را نیز پیدا می کند . بدین علت که تجارب شخصی کودکان از توپ با یکدیگر متفاوت است . پیاژه معتقد است یکی از برجسته ترین مشخصات تفکر و تکلم کودکان ، به طور کلی خودمدار بودن آن است یعنی کودک نمی تواند به دیدگاه شخص دیگری توجه کند . او کلمات را بر اساس تجارب خود تفسیر می کند و بکار می برد و هنوز نمی داند کودکان و نوجوانان دیگر ، که تجارب متفاوتی دارند احتمالاً می توانند تصورات متفاوتی داشته باشند . توانایی به حساب آوردن دیدگاههای دیگران ، که اصطلاحاً تکلم و تفکر اجتماعی شده نامیده می شود تا هفت یا هشت سالگی ایجاد نمی شود . بنابراین نحوه کاربرد لغات به وسیله کودکان با نوجوانان و بزرگسالان تفاوت دارد.

تفکر و تکلم خودمدارِ کودکان پیش از دبستان نه تنها ناشی از تفسیر شخصی آنها از کلمات است ، بلکه ناشی از محدودیت ذهنی آنها در تفکر همزمان به چند موضوع نیز هست . این کیفیت در نحوه استدلال کودک درباره اشیا نیز تأثیر می گذارد . برای مثال در آزمایشهای پیاژه که به منظور تعیین درجه ادراک کودک از اصل نگهداری ذهنی انجام گرفت ، این مسأله بخوبی شرح داده شده است . نگهداری ذهنی به این معناست که وقتی شکل یا ظاهر چیزی تغییر کند در ماهیت و مقدار آن تغییری ایجاد نمی شود . در آزمایش نگهداری ذهنی ، در مقابل کودک ، آب را از یکی از دو لوله کاملاً یکسان به لوله ای باریک و بلند می ریزند و آب لوله دوم را به لوله ای پهن و کوتاه می ریزند ، کودک پیش دبستان که فقط می تواند در هر لحظه به یک کیفیت بیندیشد خواهد گفت که آب لوله باریک و بلند از لوله پهن و کوتاه بیشتر است زیرا او فقط به ارتفاع توجه می کند . دو سال طول می کشد تا کودک با تجارب لازم سازگار شده ، آنها را سازمان دهد و به تفکر تمرکززا دست یابد ، یعنی بتواند هر دو خصوصیت حجم و اندازه را یک جا به حساب آورد. می توان این مسأله را درک کند که به رغم تغییر شکل ظرف مقدار آب آن تغییری نمی کند . با وجود این توانایی درک نگهداری ذهنی در یک خصوصیت کمی موجب نمی شود که کودک شش ساله فوراً یک اصل کلی را درک کند و به کار برد . معمولاً در این مرحله به ترتیب درک کامل نگهداری ذهنی وزن و حجم حاصل نمی شود . این نکته ، بیان کننده این است که کودک قبل از پرداختن به تعمیم اصول کلی ، به سازماندهی و سازگاری تجارب بیشتری نیاز دارد .

۳ – دوره عملیات عینی : حدود هفت تا هشت سالگی شروع دوره دیگری از رشد روانی کودک است . کودک در این دوره می تواند به طور همزمان به جنبه های مختلف پدیده های بیندیشد و ارتباط بین ابعاد مختلف آنها را درک کند . کودک

درک می کند که اجسام می توانند با هم ترکیب و سپس از هم جدا شوند یا با هم جمع و از هم کم شوند بدون این که در مقدار ، وزن ، سطح و حجم آنها تغییری حاصل شود ، یعنی هوش کودک بازگشت پذیر می شود . عمل ذهنی کودک در این مرحله محدود به اشیایی است که در اختیار دارد و یا آنها را به طور مستقیم و عینی تجربه می کند یعنی آنچه کودک می آموزد در رابطه متقابل با اشیاء است . به این دلیل پیازه این مرحله را مرحله عملیات عینی نامگذاری کرده است . به نظر پیازه این مرحله نشان می دهد که چگونه اعمال ذهنی به منشأ خود که عملی مادی است مربوطند . این واقعیت که هوش از عمل سرچشمه می گیرد ، به این نتیجه اساسی منتهی می شود که هوش حتی در عملیات عالی که به مدد ابزارهای تفکر کار می کند ، همچنان شامل اجرا کردن و هماهنگ ساختن عمل در سطح فرایندهای ذهنی است .

۴ – دوره تفکر انتزاعی : همچنان که کودک رشد می کند ، نحوه تعامل او با محیط تحت تأثیر مراحل رشد فکری او قرار می گیرد . تا زمانی که کودک رشد بیشتری نکند و به سازماندهی و سازگاری مناسبتری دست نیابد ، نمی تواند با مفاهیم انتزاعی سر و کار داشته باشد . اصطلاح انتزاعی ، نشاندهنده پیشرفت ساخت فکری است . این اصطلاح به توانایی نوجوان در ساختن و ایجاد کردن فرضیه ها نیز دلالت می کند . در این مرحله ، استدلال نوجوان به اشیاء یا واقعیتهایی که مستقیماً قابل تصور است محدود نمی شود ، بلکه با فرضیه ها یعنی قضایای منطقی نیز در ارتباط است .

هوش انتزاعی ، وسعت فوق العاده به افق فکری نوجوان می بخشد، نوجوان می تواند به کمال مطلوب بیندیشد و در مورد مسائل مغایر با واقعیت اظهار نظر کند و به ساختن و ارائه فرضیه بپردازد. همچنان که نوجوان در اعمال انتزاعی تجربه

بیشتری کسب می کند ، بیشتر به آن چه باید باشد می اندیشد و گاهی در استفاده در نیرویی که به دست آورده است ، افراط نیز می کند .

کاربردهای دیدگاه پیازه در تعلیم و تربیت همان طور که گفته شد ، به نظر پیازه تحول ، حاصل فرایندی پیچیده و تعاملی است که نه تنها سنگ بنای نظریه پیازه را تشکیل می دهند ، بلکه می توانند مبنایی برای مضامین تربیتی نظام پیازه باشند .

متناسب بودن آموزش با رشد شناختی

وظیفه معلم نزدیک شدن به دنیای کودک و شناخت اوست نه نزدیک کردن دنیای کودک به دنبال بزرگسالان

تأکید بر آموزش فعال و پرهیز از حالت انفعالی یعنی توجه به ویژگی های شخصی هدف آموزش اندیشیدن است نه اندیشه

پردازش اطلاعات

مدل کلی پردازش اطلاعات : دریافت حسی ، حافظه کوتاه مدت ، حافظه بلند مدت است

مجری این فرایند بخش هوشیار و متفکر سیستم ذهنی است که اطلاعات وارده را با اطلاعات قبلی سیستم هماهنگ می کند ، تعیین میکند به چه چیزی توجه شود و استفاده از راهبرد ها را کنترل مینماید . پژوهش پردازش اطلاعات نشان میدهد که چند جنبه از سیستم شناختی در طول دوره کودکی و نوجوانی بهبود می یابند

۱- گنجایش اصلی و مخزن های آن مخصوصا حافظه فعال

۲- سرعتی که روی اطلاعات کار میشود .

۳- عملکرد مجری مرکزی . بچه های ۳ تا ۵ ماهه در تشخیص چهره عالی عمل میکنند اما حافظه آنها برای چهره افراد غریبه و طرح های دیداری دیگر کم دوام است . بازسازی ساده ترین نوع حافظه است . یادآوری سخت تر است زیرا مستلزم یادآوری چیزی است که حضور ندارد . یادآوری با افزایش سن بهتر میشود . یادآوری بلند مدت به اتصالات چند ناحیه قشر مخ مخصوصا قشر پیشانی بستگی دارد .

طبقه بندی: اشیاء و رویداد های مشابه را در بازنمایی واحدی دسته بندی میکنیم. طبقه بندی مقدار عظیم اطلاعات تازه را کاهش میدهد و به نوباوگان کمک میکند یاد بگیرند و یادآوری کنند. اولین طبقه بندی بچه ها بر مبنای ظاهر کلی مشابه یا قسمت برجسته اش است. طبقه بندی ها بر مبنای ویژگی های ظریف استوار است. مهارت طبقه بندی کودکان نوپا علاوه بر لمس کردن و دسته بندی در رفتار های بازی آنها آشکار است. اغلب آزمون های مخصوص نوباوگان روی پاسخ های ادراکی و حرکتی تاکید میکنند

محاسبه نمرات آزمون هوش: آزمون های هوش برای نوباوگان، کودکان و بزرگسالان بسیار شبیه به هم نمره گذاری میشوند. طراحان برای اینکه این مقایسه را ممکن کنند به استاندارد کردن می پردازند. در نمونه استاندارد کردن، عملکردها در هر سطح سنی، توزیع بهنجار را تشکیل میدهند که اغلب نمرات در اطراف میانگین جمع میشوند و به تدریج تعداد کمتری به سمت دو انتها گرایش می یابند. هوشبهر متوسط ۱۰۰ تعیین میشود. نمره بالاتر یا پایینتر از ۱۰۰ بیانگر آن است که عملکرد او از میانگین منحرف شده است. هوشبهر ۹۶ درصد افراد بین ۷۰ تا ۱۱۳ است، فقط تعداد محدودی نمرات بالاتر یا پایین تر میگیرند.

پیش بینی عملکرد بعدی از آزمون های نوباوگان: نوباوگان و کودکان هنگام آزمون دچار حواسپرتی و خستگی میشوند بنابراین نمرات آنها اغلب توانایی واقعی آنها را منعکس نمیکند. به علاوه مواد ادراکی و حرکتی مخصوص نوباوگان با تکالیف کودکان بزرگتر که بر مهارت های پیچیده ی کلامی، مفهومی و حل مسئله تاکید میکنند تفاوت دارند. چون اغلب نمرات آزمون نوباوگان، ابعاد هوشی را که در کودکان بزرگتر ارزیابی میشوند اندازه گیری نمیکند، از روی احتیاط به جای هوشبهر، رشدبهر یا DQ نامیده میشوند. آزمون های نوباوگان در مورد بچه هایی که نمرات پایین تری میگیرند پیش بینی های بلند مدت بهتری انجام میدهند. این روزها عمدتاً از آنها برای سرند کردن استفاده میشود.

برخی پژوهشگران، به عنوان جایگزینی برای آزمون نوباوگان، به اندازه گیری های پردازش اطلاعات مانند خوگیری روی آورده اند. یافته های آنان نشان میدهد که سرعت خوگیری و برگشت هوشبهر را از اوایل کودکی تا اوایل بزرگسالی بسیار خوب پیش بینی میکند.

محیط اولیه و رشد ذهنی:

محیط خانه: صرف نظر از جایگاه اجتماعی- اقتصادی و قومیت، محیط تحریک کننده و ترغیب والدین، زبان و نمرات هوشبهر بهتر رادر دوره نوپایی و اوایل کودکی پیش بینی میکند. والدینی که از لحاظ ژنتیکی باهوش ترند ممکن است تجربیات بهتری فراهم کنندو بچه هایی به دنیا آورند که از لحاظ ژنتیکی باهوش تر باشند.

مهدکودک نوباوگان و کودکان نوپا: نوباوگان و کودکانی که به مهدکودک با کیفیت بد میروند صرف نظر از اینکه از جایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین باشند در آزمون های شناختی نمره پایین میگیرند. در مقابل مهدکودک خوب میتواند تاثیر منفی زندگی خانواده تحت استرس و فقرزده را کاهش دهد. مداخله های به موقع برای نوباوگان و کودکان نوپای در معرض خطر: کودکانی که در فقر زندگی میکنند، کاهش تدریجی در نمرات آزمون هوش دارند و با رفتن به مدرسه پیشرفت ضعیف دارند. اغلب برنامه های مداخله در سالهای پیش دبستانی آغاز میشوند ولی تعدادی از آنها در طی نوباوگی آغاز شده و تا اوایل کودکی ادامه دارد.

-مداخله مرکز محور: کودکان وارد مهدکودک یا پیش دبستانی میشوند و خدمات آموزشی، غذایی وبهداشتی دریافت میکنند و خدمات فرزندپروری به والدین میشود.

-مداخله خانه محور: بزرگسال ماهر از خانه دیدار کرده و با والدین کار میکند و به آنها یاد میدهد چگونه رشد فرزندشان را تحریک کنند.

توجه و حافظه : نوباوگان غیر از توجه به جنبه های بیشتر محیط ، به تدریج در مدیریت توجه خود کارآمد تر میشوند و اطلاعات را سریع تر جذب می کنند. یک دلیلی که برای طولانی بودن زمان خوگیری بچه های بسیار کوچک هست این است که آنها را در آزاد کردن توجه از محرک مشکل دارند . توانایی جابجا کردن توجه از یک محرک به محرک دیگر در ۴ ماهگی بهبود می یابد این تغییر تصور میشود ناشی از رشد ساختار ها در قشر مخ باشد که حرکات چشم را کنترل میکند .

وقتی برنامه ها و فعالیت ها به تدریج پیچیده می شوند مدت توجه نیز افزایش می یابد . نوباوگان در ۳ ماهگی محرک دیداری را به مدت ۲۴ ساعت به یاد می آورند . کارولین روی – کالی با استفاده از شرطی سازی کنشگر – حافظه نوباوگان را در محیط آشنا (خانه) ۳ بررسی کردند ساده ترین شکل حافظه **بازشناسی**

است به معنی اینکه نوباوگان باید نشان دهند که محرک جدید با محرک قبلی همانند یا مشابه اند .

یادآوری : کمی سخت تر است - مستلزم به یاد آوزدن چیزی است که حضور ندارد . با افزایش سن یادآوری بهتر میشود . یادآوری بلند مدت به اتصالات چند ناحیه قشر مخ ، مخصوصا قشر پیشانی بستگی دارد . در طول نوباوگی و نوپایی این مدار ها به سرعت رشد میکنند اما یافته گیج کننده این است که بزرگتر ها تجربیات خود را به یاد نمی آورند

طبقه بندی : محکم ترین دلیلی که نشان میدهد مغز نوپا وگان از همان آغاز طوری تنظیم شده که تجربه را به شیوه بزرگسالان سازمان دهد .

نوباوگان در ۷ تا ۱۳ ماهه : اشیا را به طبقه های شبه بزرگسال سازمان میدهند (دنیای مادی – هیجانی- اجتماعی)

اولین طبقه بندی ادراکی است: که بر اساس شباهت ظاهری یا عنصر برجسته صورت می گیرند . در پایان سال اول طبقه بندی مفهومی میشوند .

در سال دوم هنگام بازی در طبقه بندی فعالتر و ظریفتر می شوند . وقتی اختلاف ادراکی بین دو طبقه جزئی است میتوانند تمایز طبقه ای نیز ایجاد کنند . و زمانی که کسب تجربه کردند می توانند طبقه بندی انعطاف پذیر را آغاز کنند

ارزیابی یافته های پردازش اطلاعات: پژوهش پردازش اطلاعات – به تداوم تفکر انسان از نوباوگی تا بزرگسالی تاکید میکند . نقطه قوت این بررسی: تجزیه کردن شناخت به عناصر آن نقطه ضعف: پردازش اطلاعات نتوانسته این عناصر را در یک نظریه گسترده و جامع کنار هم بگذارد یک راه چیره شدن بر نقطه ضعف ترکیب نظریه پیازه بارویکرد پردازش اطلاعات.

بستر اجتماعی رشد شناختی اولیه : نظریه اجتماعی ، فرهنگی ، ویگوتسکی : معتقد بود که فعالیت های ذهنی پیچیده مانند توجه ارادی حافظه سنجیده و مسئله گشایش در تعامل اجتماعی ریشه دارند . مفهوم خاص ویگوتسکی : منطقه مجاور رشد : این مفهوم به تکالیفی اشاره دارد که کودک نمیتواند به تنهایی از پشش برابند اما با کمک افراد ماهرتر میتواند آنها را انجام دهد .

----- پایان جلسه هفتم -----موفق باشید.

